

انسان موجودی کمال‌گرا است و همین ویژگی باعث می‌شود تا او همواره در تکاپو برای رسیدن به مدارج کمال باشد. او در این مسیر از طریق فعلیت بخشیدن به استعدادهای فطری و درونی خویش قدم در مسیر تکامل می‌گذارد. انگیزه رسیدن به قله تکامل، میل به اسوه و الگوذیری را در انسان شکوفا می‌کند و او همواره دوست دارد از تجربه کمال‌یافتگان بهره ببرد. میل به الگوخواهی باعث می‌شود تا انسان بعد از شناخت و یافتن اهل کمال،

در این تصویر، یک گروه از پیروان شیعه در حال برگزاری مراسم عزاداری در محله کربلا، عراق هستند.

دلیل و علت اینکه انبیا می‌توانند الگو باشند این است که پیش‌زمینه لازم برای الگو بودن را دارا هستند و آن پیش‌زمینه چیزی جز هدایت نیست. ما نیز باید از کسانی الگو بگیریم که خودشان هدایت یافته باشند.

از روش و سیره آنها تبعیت و الگوبرداری کند. تقلید و تبعیت از سیره و روش دیگران، گاهی ممکن است خالی از هرگونه اندیشه و تفکر باشد و انسان تقلیدی ناآگاهانه و بدون هدف یا تنها باهدف‌هایی کم‌ارزش را پیش گیرد. طبیعتاً چنین الگوبردی اگرچه اشش برگرفته از میلی فطری است؛ اما چنین شخصیتی در روش خود دچار خطا و اشتباه شده است؛ ولی گاهی تقلید و تبعیت از دیگران تقلیدی کورکورانه نیست؛بلکه انسان کلاماً آگاهانه و باهدف و همراه با علم و شناخت، دیگران را الگوی خویش قرار می‌دهد. قرآن پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را اسوه معرفی می‌کند و می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ حَنُوزًا» مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»^(۱)

زنان الگو
آنچه منجر به برتری انسان‌ها از یکدیگر می‌شود تقوا و میزان تسلیم در برابر حق است و این امر میان زنان و مردان مشترک است. به‌عنوان مثال خداوند در آیاتی از قرآن آسویه همسر فرعون را به‌عنوان الگوی مؤمنان معرفی می‌کند. قرآن می‌فرماید: «وَصَرَّبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ اِنِّي لِيَ عَظْمَاءُ بِنَاتٍ فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در

یکی از پرسش‌های چالش‌برانگیز در مسیر باطنی، نحوه مواجهه شیطان با انسان‌هاست. وقتی به روایت امام صادق(ع) خطاب به زراه نگاه می‌کنیم که می‌فرماید: «يَا زَارَةَ إِنَّهُ إِنَّمَا ضَلَّكَ وَدَ الْأُصْحَابِكُ فَأَمَّا الْآخِرُونَ فَقَدْ فَرَّغَ مِنْهُمْ» ایلیس تمام تمرکز و حملاتش را متوجه شما مؤمنان کرده و از دیگران فارغ شده است.» این پرسش اساسی در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد: چرا رهروان مسیر حق باید آماج سخت‌ترین وسوسه‌ها و تهاجمات شیطان باشند، درحالی‌که گمراهان ظاهراً به حال خود رها شده‌اند؟

در ادامه، با واکاوی دقیق واژگان این حدیث و بررسی ابعاد رویارویی حق و باطل، چرایی تمرکز حملات شیطان بر اهل ایمان را تبیین خواهیم کرد. الف) تمرکز بر اهداف فتح نشده
برای فهم روایت، باید به دو واژه کلیدی «صَدَمَ» و «فَرَّغَ» دقت کرد. کلمه «صَدَمَ» در لغت عرب به معنای قصدکردن یا تمام‌توان، روی آوردن مستقیم و تمرکز شدید بر یک هدف است.^(۱) کلمه «فرغ» فارغ شدن- به معنای رها کردن و بی‌خیال شدن نیست، بلکه به معنای «اتمام یک پروژه» یا «عبور از یک مرحله» است.^(۲) امام صادق(ع) به زواره می‌فرماید: همانا شیطان قصد تو و یاران تو را دارد و از کار دیگران فارغ شده است.^(۳) این روایت بیانگر یک اصل عقلی و نظامی در نبرد حق و باطل است.

اگر لشکری یک شهر را فتح کرده باشد، دیگر نیازی نمی‌بیند که ماشین جنگی و نیروهای زبده خود را برای حمله به آن شهر صرف کند؛ بلکه تمام توان هجومی خود را به سمت دژهایی می‌برد که هنوز فتح نشده‌اند و در برابر او مقاومت می‌کنند. قلب مؤمن، دژی است که شیطان هنوز نتوانسته آن را تسخیر کند.^(۴) بنابراین طبیعی است که قصد شیطان و حمله متمرکز او متوجه مؤمنان باشد.

ب) اولویت‌های شیطان
به‌دنبال سرقت دارایی‌های معنوی انسان است. همان‌طور که دزد، هرگز به خانهای که مخروبه است و هیچ‌چیز باارزشی در آن نیست، حمله نمی‌کند و همواره کمین خانهای را می‌کشد که در آن طلا و جواهر باشد، شیطان نیز سراغ کسانی می‌رود که گوهر ایمان در قلب آنها است.

کسانی که از مسیر حق منحرف شده‌اند، در واقع سرمایه «ایمان و هدایت» را از دست داده‌اند؛ آن‌ها همان «غلوبین» هستند که خداوند به شیطان فرموده سلطعات تنها بر کسانی است که خود از تو پیروی می‌کنند.^(۵) شیطان اینان را بی‌زحمت و بی‌نیاز از صرف انرژی اصلی در اختیار دارد؛ زیرا خود

شبهه: فلسفه حجاب کامل در نماز چیست؟ خدا که با همه محرم است، پس چرا در تاریکی و تنهایی که هیچ نامحرمی هم وجود ندارد، بانوان باید با پوشش کامل نماز بخواوند؟

پاسخ: از آنجا که ویژگی‌های زن، خواسته یا ناخواسته چشم‌های محرم یا غیر محرم را می‌رباید، می‌توان گفت در تمام مهندسی احکام فقهی اسلام، حفظ عفت و حیا برای زن و مرد یک اصل ضروری و مهم به حساب می‌آید. بنابراین تمام احکام عبادی و توسلی (احکامی که در آن قصد قربت شرط نیست) تابع این اصل است.

براساس همین اصل شارع مقدس دستوراتی واجب یا مستحبی را در نماز داده است؛ از جمله: آب ریختن به دست‌ها از داخل آرنج هنگام وضو،

شبهه: فلسفه حجاب کامل در نماز چیست؟ خدا که با همه محرم است، پس چرا در تاریکی و تنهایی که هیچ نامحرمی هم وجود ندارد، بانوان باید با پوشش کامل نماز بخواوند؟
پاسخ: از آنجا که ویژگی‌های زن، خواسته یا ناخواسته چشم‌های محرم یا غیر محرم را می‌رباید، می‌توان گفت در تمام مهندسی احکام فقهی اسلام، حفظ عفت و حیا برای زن و مرد یک اصل ضروری و مهم به حساب می‌آید. بنابراین تمام احکام عبادی و توسلی (احکامی که در آن قصد قربت شرط نیست) تابع این اصل است.

براساس همین اصل شارع مقدس دستوراتی واجب یا مستحبی را در نماز داده است؛ از جمله: آب ریختن به دست‌ها از داخل آرنج هنگام وضو،

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

الزامات الگوبردی از حضرت زهرا (س)

دلیل اینکه پیامبر اسلام حضرت زهرا را الگو معرفی می‌کنند این است که اسوه‌گری حضرت زهرا جلوه دیگری از اسوه بودن پیامبر اسلام است؛ یعنی فاطمه زهرا استمرار همان اسوه حسنه (پیامبر) است. دفاع حضرت زهرا(س) از ارزش‌های اسلامی، گذشتن از جان در راه بقا و دوام ولایت، تقوا، عفت، مهربانی، فرزند پروری و همسررداری ایشان الگوی بی‌بدیلی برای همه انسان‌هاست.

هدایت، زمینه‌زن تأسی
خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَيُهَادُهُمْ أَفْتَدَى: آنها کسانی هستند که خداوند هدایت‌شان کرده؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن!»^(۱) در این آیه ابتدا به مسئله هدایت انبیا اشاره شده و سپس موضوع الگو بودن آنها بیان می‌شود؛ یعنی دلیل و علت اینکه انبیا می‌توانند الگو باشند این است که پیش‌زمینه لازم برای الگو بودن را دارا هستند و آن پیش‌زمینه چیزی جز بی‌بدیلی برای همه انسان‌هاست. به همین دلیل وجود مقدس امام زمان نیز مادر خویش را الگوی خود دانسته و می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِّإِنِّهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^(۲) همانا در دختر رسول خدا برای من، الگویی شایسته وجود دارد. در واقع چون وجود حضرت زهرا استمرار وجود پیامبر است اسوه‌پذیری از او نیز همان اسوه‌پذیری از رسول‌الله است.

در مسیر باطنی و گوهری برای محافظت ندارند. اما مؤمنان و صالحان، حامل کنجینه‌ای عظیم به نام معرفت، ولایت و ایمان هستند؛ لذا شیطان تمام‌وقت و انرژی خود را صرف می‌کند تا این سرمایه را از دست آنها خارج کند؛ بنابراین، تمرکز شیطان بر مؤمنان، نه‌تنها بی‌عدالتی نیست، بلکه نشان‌دهنده ارزش بالای جایگاه مؤمن است.

ج) تغییر فاز از گمراه‌سازی به تثبیت و بهره‌دشی
نکته بسیار اساسی که محور فهم این روایت است، این است که «فارغ شدن شیطان از دیگران» به معنای رهاکردن مطلق آنها نیست. کار شیطان با گمراهان در فاز «ایجاد انحراف» تمام شده است؛ زیرا آنها منحرف شده‌اند و دیگر نیازی به وسوسه‌های اولیه ندارند. اما شیطان برای آنها برنامه‌های ثانویه دارد.

قرآن کریم در سوره مجادله ذکر الله أولیک «لَسْتَخُوذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْتَاهُمْ ذَكَرَ اللَّهُ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ» شیطان بر آنها چیره شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده است، آنها حزب شیطانند.»^(۳)

وقتی فردی عضو حزب شیطان شد و در گمراهی می‌شود، او حالا این افراد گمراه را به‌عنوان ابزار، پیاده‌نظام و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴)

او حالا این افراد گمراه را به‌عنوان ابزار، پیاده‌نظام و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴)

او حالا این افراد گمراه را به‌عنوان ابزار، پیاده‌نظام و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴)

او حالا این افراد گمراه را به‌عنوان ابزار، پیاده‌نظام و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴)

او حالا این افراد گمراه را به‌عنوان ابزار، پیاده‌نظام و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴)

او حالا این افراد گمراه را به‌عنوان ابزار، پیاده‌نظام و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴)

او حالا این افراد گمراه را به‌عنوان ابزار، پیاده‌نظام و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴)

او حالا این افراد گمراه را به‌عنوان ابزار، پیاده‌نظام و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴)

او حالا این افراد گمراه را به‌عنوان ابزار، پیاده‌نظام و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴)

او حالا این افراد گمراه را به‌عنوان ابزار، پیاده‌نظام و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴)

او حالا این افراد گمراه را به‌عنوان ابزار، پیاده‌نظام و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴)

او حالا این افراد گمراه را به‌عنوان ابزار، پیاده‌نظام و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴)

او حالا این افراد گمراه را به‌عنوان ابزار، پیاده‌نظام و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴) و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.^(۴)

الزامات الگوبردی از حضرت زهرا (س)

هدایت، زمینه‌زن تأسی
خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَيُهَادُهُمْ أَفْتَدَى: آنها کسانی هستند که خداوند هدایت‌شان کرده؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن!»^(۱) در این آیه ابتدا به مسئله هدایت انبیا اشاره شده و سپس موضوع الگو بودن آنها بیان می‌شود؛ یعنی دلیل و علت اینکه انبیا می‌توانند الگو باشند این است که پیش‌زمینه لازم برای الگو بودن را دارا هستند و آن پیش‌زمینه چیزی جز بی‌بدیلی برای همه انسان‌هاست. به همین دلیل وجود مقدس امام زمان نیز مادر خویش را الگوی خود دانسته و می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِّإِنِّهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^(۲) همانا در دختر رسول خدا برای من، الگویی شایسته وجود دارد. در واقع چون وجود حضرت زهرا استمرار وجود پیامبر است اسوه‌پذیری از او نیز همان اسوه‌پذیری از رسول‌الله است.

در مسیر باطنی و گوهری برای محافظت ندارند. اما مؤمنان و صالحان، حامل کنجینه‌ای عظیم به نام معرفت، ولایت و ایمان هستند؛ لذا شیطان تمام‌وقت و انرژی خود را صرف می‌کند تا این سرمایه را از دست آنها خارج کند؛ بنابراین، تمرکز شیطان بر مؤمنان، نه‌تنها بی‌عدالتی نیست، بلکه نشان‌دهنده ارزش بالای جایگاه مؤمن است.

نکته بسیار اساسی که محور فهم این روایت است، این است که «فارغ شدن شیطان از دیگران» به معنای رهاکردن مطلق آنها نیست. کار شیطان با گمراهان در فاز «ایجاد انحراف» تمام شده است؛ زیرا آنها منحرف شده‌اند و دیگر نیازی به وسوسه‌های اولیه ندارند. اما شیطان برای آنها برنامه‌های ثانویه دارد.

چرایی تمرکز حملات شیطان بر اهل ایمان

در این تصویر، یک گروه از پیروان شیعه در حال برگزاری مراسم عزاداری در محله کربلا، عراق هستند.

وقتی فردی عضو حزب شیطان شد و در گمراهی ماند، شیطان از مرحله وسوسه‌گر صرف، وارد مرحله «فرماندهی» می‌شود. او حالا این افراد گمراه را به‌عنوان ابزار، پیاده‌نظام و «شیاطین الانس» به کار می‌گیرد.بنابراین اگر از «فراغت» شیطان از گمراهان» سخن گفته می‌شود، به معنای توقف کامل کار او نیست؛ بلکه به این معناست که از تلاش اولیه برای اصل انحراف آنان تا حدی بی‌نیاز شده و تمرکز خود را بر تثبیت گمراهی و جلوگیری از توبه می‌گذارد.

د) کمینگاه شیطان
روایت ابتدای مطلب دقیقاً تفسیر و ترجمان آیت قرآن کریم درباره سogند شیطان است. شیطان پس از رانده‌شدن از درگاه الهی قسم یاد کرد: «قَالَ فِيمَا أُغْوِيَنِي لأَفْعِدَنَّ لَهُمْ مِرَاطًا لِّلْمُتَّقِينَ»؛ به تیرین اعمال زشت^(۱) و استفاده از آنها برای حمله رسب آنکه مرا گمراه ساختی، من هم قطعا بر سر راه آنها قرار می‌گیرم! آنان به کمین خواهم نشست.»^(۲) نکته ظریف آیه این است که شیطان بر «صراط مستقیم» کمین می‌کند، نه در بیابان‌های

گمراهی؛ زیرا مقصود او بازداشتن انسان‌ها از رسیدن به همین راه است. کسی که در مسیر فساد ظلم و کفر می‌تازد، در حقیقت اسیر همین کمین شده و راهمای پراکنده‌ای را می‌پیماید که قرآن از پیروی آنها نهی کرده است: «وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَقْتُلُوا بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ»-و راهای مختلف پیروی نکند که شما را از راه حق دور می‌سازد.»^(۳) و در روایات اشاره شده که بر سر هر یک از این راه‌ها شیطانی دعوت‌کننده

بنابراین علل و حکمت‌های رعایت حجاب در نماز، با حفظ حجاب در برابر نامحرم تفاوت‌هایی دارد و با آن قابل مقایسه نیست؛ مثلاً پوشاندن روی پا در برابر نامحرم واجب است، ولی در نماز- بدون حضور نامحرم- واجب نیست.

بنابراین علل و حکمت‌های رعایت حجاب در نماز، با حفظ حجاب در برابر نامحرم تفاوت‌هایی دارد و با آن قابل مقایسه نیست؛ مثلاً پوشاندن روی پا در برابر نامحرم واجب است، ولی در نماز- بدون حضور نامحرم- واجب نیست.

صفحه ۱۰

پنجشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۵
۱۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ - شماره ۲۴۶۷

هستند، به همین دلیل وجود معصومین(ع) به‌عنوان انسان کامل بهترین الگو و اسوه معرفی می‌شوند.

ما قاتل به این امر هستیم که وجود حضرات معصومین نور واحدی هستند و حقیقت نوری کردار و گفتار و رفتار آنها یکسان است؛ بنابراین پیامبر اسلام و ائمه معصومین(ع) و همچنین حضرت زهرا و حضرت زینب(س) می‌توانند بهترین الگو برای ما باشند. اسلام احیاگر شخصیت زن و حافظ کرامت

در این تصویر، یک گروه از پیروان شیعه در حال برگزاری مراسم عزاداری در محله کربلا، عراق هستند.

قدم‌گذارن در مسیری که حضرت زهرا و حضرت زینب(س) در آن مسیر قدم گذاشته‌اند کار آسانی نیست؛ بلکه نیازمند تلاش مداوم، ایمان قوی، عمل صالح و پیروی از سیره معصومین(ع) است.

انسانی اوست؛ هر دستوری که در دین اسلام برای زن ارائه شده است در جهت حفظ شأن و شخصیت زن است. زن در نگاه اسلام از جایگاه والایی برخوردار است به شرطی که همسو با فطرت خویش حرکت کند؛ بنابراین بر زن مسلمان نیز لازم است تا به وظایف فردی، خانوادگی و اجتماعی خویش توجه کند و صرفاً ذهن خویش را معطوف به یک بُعد زینب دانست؛ بنابراین کسی که قصد الگوبردی از این بزرگواران را دارد باید در مسیر کسب علم و معرفت گام بردارد.

۱. تقوا: تقوا سبری است که به‌واسطه‌ی انجام واجب و ترک حرام نصیب انسان می‌شود. **۲. علم‌آموزی:** علم‌آموزی و کسب معرفت را می‌توان از جمله ویژگی‌های حضرت زهرا و حضرت زینب دانست؛ بنابراین کسی که قصد الگوبردی از این بزرگواران را دارد باید در مسیر کسب علم و معرفت گام بردارد.

۳. عبادت: عبادت‌های حضرت زهرا و حضرت زینب عامل اتصال آنها به خدا بود. انسانی که خواهان تبعیت از این شخصیت‌های نورانی است باید به عبادت‌ات تمسک جوید.

۴. صبر: از مهم‌ترین ویژگی‌های این بزرگواران صبر بر بلا و مصیبت است. صبور بودن نیز از دیگر لوازم تبعیت است.

۵. خدمت به خلق را می‌توان در سیره حضرت زهرا به وضوح مشاهده کرد.

۶. تبعیت از ولایت از دیگر صفات بارز حضرت زهرا و حضرت زینب است.

۷. تربیت نسل صالح.

۸. دفاع از حق و حقیقت.

نتیجه‌گیری
انسان موجودی کمال‌گراست و برای رسیدن به کمال درصدد الگوبرداری از دیگران است.

در نگاه اسلام برترین الگوها، کامل‌ترین آنها

این امر نشان می‌دهد سیستم دفاعی توکل و پناهنردن به ولایت‌الهی، بسیار مستحکم‌تر از ماشین جنگی شیطان است و ترسیم این هندسه، علاوه‌بر بیداری، شجاعت و امید را در مسیر تزکیه نفس به همراه می‌آورد.

در نتیجه، تمرکز همه‌های شیطان بر مؤمنان نه‌تنها بی‌عدالتی نیست، بلکه کاملاً منطقی و برخاسته از ارزش ولای گوهر ایمان است.

ایلیس تمام توان خود را صرف فتح دژه‌ای تسخیرنشده و سرقت سرمایه‌های معنوی در «صراط مستقیم» می‌کند.

«فارغ شدن» او از گمراهان نیز به معنای رهایی آنان نیست؛ بلکه نشان‌دهنده سقوطشان به مرحله بردگی و تبدیل‌شدن به پیاده‌نظام شیطان است. از نسوی دیگر، قدرت شیطان به وسوسه محدود است و هرگز توان شکستن حصار مستحکم توکل و ولایت‌الهی را ندارد؛ بنابراین، این تقابل، عرصه آزمون و ارتقای درجات مؤمنان و سالکان حق است.

پی‌نوشت‌ها:
۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۵۸.

۲. طبرسی، فخرالدین بن محمد، مجمع‌البحرین، تصحیح احمد حسینی اشکور، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش، ج۵، ص ۱۵.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌کبری غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۴۵.

۴. رک: مصباح‌ بزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، تحقیق محمدحسین اسکندری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۴۰۱ش، ج ۱، صص ۲۲۴- ۳۲۵.

۵. حجر، آیه ۴۲: «إِنَّ عِبَادِي لَئِنْ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغُلُوبِ»

۶. مجادله، آیه ۱۹: «فَأَسْتَفِيتُمْ» من بر پیروذ گارشان توکل می‌کنند

۷. انعام، آیه ۱۱۲: «هَٰشِطَاتِینِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زَخَفُوا الْقَوْلَ غَزَوْا»

۸. حجر، آیه ۳۹: «قَالَ رَبِّ إِنَّمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَزِيَّتَنَّ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَلَا أَغْوِيَنَّهُمْ أَفْهَمِينَ»

۹. اسراء، آیه ۶۴: «وَأَخْلَجَ عَلَيْهِمْ وَجْهَكَ وَزَجَلَك.»

۱۰. اعراف، آیه ۱۶.

۱۱. انعام، آیه ۱۵۳.

۱۲. «حط لنا رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) یوما خطاً، و حطه لنا عاصم- فقال: هذا سبیل الله، ثم خط خطوطاً و یمین الخط، و عن شماله فقال: هذه السبیل، و هذه سبیل علی کل سبیل منها شیطان یغوی الیه، ثم تلا هذه الآية...»

نسائی، احمد بن علی، تفسیر‌النسائی، بیروت، مؤسسه‌الکتب

التفاهیه، (ط – الإسلامیه)، ج ۳، ص ۲۸۵.

۱۳. «إِنَّ الشَّيَاطِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَكْثَرُ مِنَ الزَّائِرِينَ عَلَى النَّحْمِ» مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم، المومنز

المالیمی (لایحه‌ی المفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۰.

۱۴. نحل، آیه ۹۹.

۱۵. ابراهیم، آیه ۲۲.

۱۶. ابراهیم، آیه ۱۰۰.

۱۷. سید رضی، نهج‌البلاغه، تصحیح صبحی صالح، تهران، دارالکتب العلمیه، ۱۳۷۵ش، خطبه ۷.

وجود پوششش برای تمام بدن و داشتن پوششی مخصوص برای نماز، توجه و حضور قلب انسان را بیشتر می‌کند و از التفات ذهن به تجملات و چیزهای رنگارنگ می‌کاهد و ارزش نماز را صد چندان می‌کند.

ب) وجود پوشش برای تمام بدن و داشتن پوششی مخصوص برای نماز، توجه و حضور قلب انسان را بیشتر می‌کند

و از التفات ذهن به تجملات و چیزهای رنگارنگ می‌کاهد و ارزش نماز را صد چندان می‌کند.

ج) داشتن پوشش کامل در پیشگاه خداوند، نوعی ادب و احترام به ساحت قدس ربوبی

•سایت هدانا